

در مراسم رونمایی از کتاب «فلسفه در دوره تجدد حیات فرهنگی غرب از دانته تا کامپانلا» در نمایشگاه کتاب سال ۹۲ اتفاق جالبی افتاد. وقتی که زنده‌یاد دکتر کریم مجتهدی مشغول پاسخ دادن به سؤالات خبرنگاران بود، یک سرباز وظیفه با حضور در غرفه پژوهشگاه، اصرار داشت با دکتر مجتهدی دیدار کند.

این سرباز که استوار دوم ناصر علی عسگری نام داشت،

### گفت‌وگوی فیلسوف و سرباز

وقتی دکتر مجتهدی را دید، وارد غرفه شد و در کنار دکتر مجتهدی نشست از علاقه‌اش به فلسفه گفت و از این استاد نامدار خواست به سؤالاتش پاسخ دهد. دکتر مجتهدی با اشتیاق او را در کنار خود نشاند. جالب این‌که سؤال این سرباز وظیفه، درباره «نو افلاطونی‌ها» در دوران اسکندریه بود و دکتر مجتهدی هم با حوصله به پرسش‌های او جواب داد.

### درباره زندگی و شخصیت دکتر کریم مجتهدی

# غرب‌شناسی که غرب‌زده نبود



دکتر کریم مجتهدی که این هفته پس از ۹دهه زندگی پرثمر در تهران درگذشت، از فرزندان آذربایجان بود که در شهر تبریز و در خانواده‌ای فرهیخته و برجسته به دنیا آمد و نوه مرحوم آیتا... میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی بود. او از همان دوران نخست‌تحصیل، شیفته آموختن بود و خیلی زود به زبان فرانسه و بعد به زبان آلمانی مسلط شد. در همان دوران علاقه‌ای شدید به فرهنگ و ادبیات ایران پیدا کرد و همین دل‌بستگی او را به سمت و سوی فلسفه ایرانی و اسلامی سوق داد. پس از مهاجرت به سوئیس و فرانسه آشنایی‌اش با مبادی فلسفه غرب، او را به دانشجویی سختکوش و جدی فلسفه غرب بدل کرد.

#### غرب زندگی نه، غرب دانی، آری

آشنایی کریم مجتهدی با فلسفه غرب چنان که گفتیم، از سرچشمه بود. او برخلاف برخی دانشجویان و اهل قلم که مبانی تفکر غربی را از روی ترجمه‌های آنها خوانده و فهمیده بودند در دانشگاه‌هایی درس خوانده بود که مبدأ فلسفه غرب بود و شاگرد بزرگانی چون ژان پیاژه، ژان وال، ژرژ گوروچ و موریس مرلوپونتی بود. به همین دلیل شناختی دقیق و کامل از آن داشت اما با وجود این، فاصله انتقادی خود را با فلسفه غرب حفظ کرده بود و بدیشتگی متغلا نه‌ای نسبت به آن نداشت.

او با این که فلسفه غرب را زیربنای اصلی تمدن و فرهنگ غرب می‌دانست اما تأکید داشت فلسفه غربی به صورت ریشه‌ای تحت تأثیر فیلسوفان اسلامی بوده و غربیان خودشان هم این رشد را اولین فیلسوف عقل‌گرا می‌دانسته‌اند. او می‌گفت، با غرب‌زدگی مخالف است اما غرب را باید شناخت و به همین دلیل می‌کوشید با نگاهی انتقادی و در عین حال عالمانه، غرب، فلسفه و فرهنگش را بشناسد. بی‌دلیل نبود که حتی درباره کانت که همگان او را شیفته این فیلسوف می‌دانستند، به صراحت می‌گفت: «من بیش از هر کسی از کانت یاد گرفتم. هنوز هم چنین است. البته با کانت موافق نیستم. کانت تا حدودی کهنه شده است. کانت با فیزیک نیوتن معنا پیدا می‌کند و وقتی اصول فیزیک نیوتن به هم می‌خورد، فلسفه کانت هم دیگر معنا پیدا نمی‌کند. ولی روش کانت و استفاده‌ای که از فلسفه می‌کند، یعنی روش استعلایی به نظر من حتی الان بسیار بسیار روشنگر و اصلا فوq العاده است. منظورم روش اوست، نه حرف‌هایش و از حیث نظری و نه از منظر اخلاقی و هنری.»

شناخت او از فلسفه غرب، مانع تلاش جدی وی برای شناخت و شرح فلسفه اسلامی نمی‌شد و به همین دلیل است که او همچنان که درباره آرای فیلسوفانی چون کانت، دکارت و هگل می‌اندیشید و می‌نوشت، از ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا هم غافل نبود. همچنین او توجه وافری به فلسفه تطبیقی داشت و تلاش‌هایش در زمینه مقایسه انطباقی میان افکار نوافلاطونیان متاخر با سنت‌های اسلامی از درخشان‌ترین تلاش‌های علمی در این حوزه بود.

#### انتقاد از نظام آموزشی و دانشگاه‌ها

مجتهدی در طول سال‌های تدریس، در مراکز آموزشی مختلف کشور به دانشجویان علاقه‌مند،

درس فلسفه داد. پایگاه اصلی او در آموزش گروه فلسفه دانشگاه تهران بود اما او همچنین در دیگر مراکز آموزشی و پژوهشی همچون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران دانشجویان بسیاری تربیت کرد. نگاه او به فلسفه‌آموزی و فلسفه‌خوانی، با دیدگاهی انتقادی به نظام آموزشی کشور همراه بود. او که همه عمر خود را با عشق به فلسفه و تفکر طلی کرده بود، ریشه اصلی مشکلات نظام آموزش ما را نبود تفکر در ورای آن می‌دانست و بارها گفته بود: «تفکر در دانشگاه‌ها نیست، رشته‌ها و تحقیقات ظاهری هست، بدون آن‌که تفکر عمیق وجود داشته باشد.»

او البته این انتقاد را یک‌سویه مطرح نمی‌کرد و استادان و دانشجویانی را که نه به دلیل شیفتگی واقعی، بلکه از سر وظیفه به این سمت آمده بود، از انتقادات خود بی‌نصیب نمی‌گذاشت و می‌گفت: «فاجعه این‌است که معلم‌های ما دانشجویو دانشجویان ما دانشجو نیستند.» او که به صراحت لهجه مشهور بود و همیشه می‌گفت با کسی رودریا بستی ندارد، می‌گفت: «تحقیق، مطالعه، دلسوزی واقعی، علاقه به فرهنگ، از خود گذشتگی، آزادگی و این چیزها، فیلسوف آزاد نیست، بلکه مقید به آزادگی است، اینها دیگر وجود ندارد، حال چه می‌ماند؟»

مشکل به نظر او در زمانی بیشتر و جدی‌تر می‌شد که قرار بود دانشگاه، مرکز آموزش و ترویج فلسفه شود. دانشگاهی که از نظر مجتهدی از تفکر بی‌بهره بود و نتیجه آن این بود که تفکر فلسفی به چیزی عوامانه یا به قول خود او، کوچه و بازاری تبدیل شود. او می‌گفت: «فلسفه الزاما اظهار نظر، تصمیم‌گیری و ادعا نیست، فلسفه را باید یاد گرفت، یعنی آموختنی است از طریق تاریخ فلسفه و از طریق متون فلاسفه بزرگ چه شرقی و چه غربی. مادامی که ما تصور کنیم با چند کلمه می‌توان فلسفه را در اختیار مردم قرار داد، این نقص غرض و نوعی عامیانه کردن و به ابتذال کشاندن تفکر فلسفه است. نباید انتظار داشت

که مردمی که زندگی عادی خود را می‌کنند، الزاما لفظ فلسفه را به دهان بیآورند یا ادعای داشتن تفکر فلسفی داشته باشند. فلسفه جنبه دانشگاهی دارد.»

این عامیانه کردن فلسفه‌ورزی باعث پدیده‌ای شده بود که او از آن به «جنجالی شدن فلسفه‌ورزی در جامعه» ما یاد می‌کرد و معتقد بود با این شیوه فلسفه معنای خود را از دست بدهد، چرا که فلسفه نمی‌تواند وسیله شهرت کسی باشد. مجتهدی در این زمینه گفته بود: «ما به نوعی گرفتار یک تظاهر به تفلسف و فکر کردن هستیم و حرف‌های دهن‌پرکن فلسفی را یاد گرفته‌ایم و بدون کوچک‌ترین تأمل و تحقیق آنها را به کار می‌بریم و این کار بیشتر به قصد مرغوب کردن مخاطب انجام می‌گیرد. ما اکنون از کمال مطلوب فلسفه بسیار پایین‌تریم و این امر نه فقط در فلسفه، بلکه در کل نظام آموزش عالی وجود دارد.» و نتیجه این وضعیت، این می‌شود که دانشجویان فلسفه هم به دنبال رسیدن به نتیجه‌های سهل‌الوصول و میانبر

نکته جالبی که در این دیدار برای خبرنگاران مورد توجه بود، مهر و مدارای دکتر مجتهدی دربرخورد با این جوان بود که برای پاسخ به سؤالاتش وقت گذاشت و او را در زمانی که ۸۳ سال داشت، در کنار خود نشاند و با او هم‌کلام شد. این روحیه و شوق معلمی و پاسخ دادن به سؤالات هر کسی که به او مراجعه می‌کرد، یکی از ویژگی‌های شخصیتی این استاد نامدار بود.



#### درنگ

### غلامحسین ابراهیمی دینانی در گفت‌وگو با «جام‌جم» غرب‌شناس منحصر به فرد

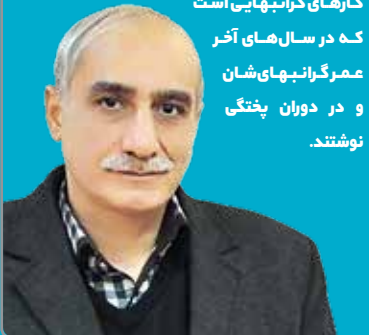
فلسفه غرب را می‌بینم حرف عمیقی ندارند؛ فلسفه عمیق، فلسفه ابن‌سیناست، فلسفه ملاصدراست، فلسفه محقق خوانی است. مثل بی‌شماری که در کشور فلسفه غرب را بزرگ می‌کنند. مثل کانت، من کانت را قبول ندارم اما در فلاسفه غرب، هایدگر درست است افکاری دارد که با دین و با اسلام جور در نمی‌آید. امام‌هم است و متفکر خوبی بوده‌است. هگل هم فیلسوف مهمی است هرچند من درباره‌تر و آنتن‌تر او اشکالاتی دارم. به طور کلی با تلاش‌های انسانی مثل مجتهدی، امروز فضای فلسفه آزادتر شده است؛ زیرا فلسفه در سابق به کلی ممنوع بود، حتی در حوزه علمیه قم دغفن بود و کفر به شمار می‌آمد. امروز البته این اوضاع نیست. مردم هم بیشتر به فلسفه علاقه دارند که از تلاش‌های افرادی مثل مجتهدی است. به نظرم هر کسی که ابن‌سینا را بداند می‌شود فیلسوف! اشفا و اشارات. بزرگ‌ترین فیلسوفی است که در تاریخ ما آمده، هرچند شماری می‌گویند ارسطویی است اما با دستاوردهای پژوهشی و اندیشگی‌اش نه تنها از ارسطو عبور کرده که صاحب مکتب فکری ویژه خودش شد. فلسفه امری عمیق است و کمتر کسی اهل آن می‌شود و گاهی به ندرت کسی پیدا می‌شود مانند مرحوم دکتر مجتهدی که در فلسفه غرب خوب بود.

#### نگاه

حمیدرضا بوسحاق، استاد دانشگاه در گفت‌وگو با «جام‌جم»

## پیر میکده فلسفه

برای ارتقای فلسفه شرق داشت. از منظر اندیشه‌ای، دکتر مجتهدی تحصیل‌کرده دانشگاه سوربن و نظرکرده استادی مثل هانری کُربن و ژان وال بود. حتی رساله فوق‌لیسانس ایشان هم با ژان وال بود. نکته مهم اینجاست که او می‌توانست در غرب بماند و شورتش بیش از الان بود اما دفعه کشور خودمان را داشت. این ویژگی از آن جهت مهم می‌شود که ایشان پیر میکده فلسفه بود. یعنی هم در فلسفه غرب تحصیل کرده بود و با آن آشنا بود و هم به فلسفه شرق مسلط بود. استادی امکان دارد از غرب چیزی بخواند و با آن آشنا باشد اما از فرهنگ خود مان چیزی نداند و نتیجه‌گیری‌های غلطی که الان در جامعه می‌شود، ریشه‌اش در همین است. دکتر مجتهدی در هر دو مورد تسلط داشت. چند زبان می‌دانست، متون اروپایی را خوانده بود و در بحث فلسفه شرق نیز علاقه داشت و کار کرده بود که نتیجه‌اش همین کارهای گزاینه‌هایی است که در سال‌های آخر عمر گزاینه‌های‌شان و در دوران پختگی نوشتند.



است؛ یکی از منظر اخلاقی و دیگری ویژگی‌های اندیشه‌ای و تلاشی که

آنجه من در این دوره ۳۰ ساله آشنایی با دکتر مجتهدی از ایشان آموختم، این بود که دو میحت قابل شرح و بسط است؛ یکی از منظر اخلاقی

و دیگری ویژگی‌های اندیشه‌ای و تلاشی که

فلسفه، درباره ادبیات هم نوشت و ازجمله کتابی درباره داستایفسکی به نگارش درآورد که از جنبه توجه فردی با اندیشه فلسفی به ادبیات و به خصوص داستان‌نویسی اهمیت دارد.

او شیفته واقعی ادبیات و به خصوص زبان فارسی بود. حتی در قالب یک معلم فلسفه هم وسواس و توجه خود را به زبان فارسی و ضرورت تقویت این زبان به‌عنوان یک زبان علمی پنهان نمی‌کرد و می‌گفت: «الان گاهی فلسفه به ما صدمه می‌زند، این همه لغت خارجی را وارد فارسی می‌کند. الان کسی که فلسفه می‌خواند، ۲۰ یا ۳۰ لغت انگلیسی و فرانسه بلد است و خودش را متخصص می‌داند. غیر از این چیزی نیست. کلماتی مثل پست مدرن، سوژه، ایزه، پروپلماتیک و... من با کاربرد این کلمات مخالف هستم.» بااین پیشینه و نگاه بود که او کلیت ساختارهای فرهنگی و کنشگران فرهنگی ایران را هم از نقد خود مصون نمی‌دانست. یکی از انتقادات مهم مجتهدی به جامعه فرهنگی و نخبگان ایران، اصرار به متفاوت‌نمایی با وجود دانش سطحی بود. او این شکل از متفاوت‌نمایی را ناشی از خودشیفتگی می‌دانست و می‌گفت: «کسی که شیفته خودش است نمی‌تواند فیلسوف باشد. شخص می‌خواهد خود را مطرح کند با این عنوان که کتاب نوشته است، آیا فقط نوشتن کتاب کافی است؟ این ۱۰ تا کتاب دارد. دیگری ۲۰ کتاب دارد. این تظاهر به فرهنگ، دشمن فرهنگ است. تظاهر کاذب است. این تظاهر کاذب، فرهنگ را نابود و بی‌معنی می‌کند.»

### سال‌شمار زندگی کریم مجتهدی

<b>۱۳۵۹</b>	تولد در تبریز
<b>۱۳۲۵</b>	مهاجرت به اروپا برای ادامه تحصیل
<b>۱۳۳۸</b>	بازگشت به ایران پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد فلسفه
<b>۱۳۴۳</b>	اخذ مدرک دکترای فلسفه از دانشگاه سوربن پاریس
<b>۱۳۴۷</b>	استخدام به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران
<b>۱۳۸۵</b>	انتخاب به‌عنوان چهره ماندگار فلسفه در ایران
<b>۱۳۸۲</b>	بازنشستگی از دانشگاه تهران
<b>۱۳۸۹</b>	دریافت تقدیرنامه یونسکو و مدال طلای جهانی ابن سینا به‌عنوان محقق پیشکسوت در علوم انسانی
<b>۱۳۹۵</b>	انتخاب به‌عنوان استاد ممتاز از سوی بنیاد ملی نخبگان
<b>۱۴۰۵</b>	دریافت جایزه نوبل ایرانی به‌عنوان بهترین دانشمند علوم انسانی
<b>۱۴۰۲</b>	درگذشت در ۹۳ سالگی



برای دیدن فیلم از زندگی پیر میکده کلیک کنید

#### نماهنگ

### بازگشت مجید انتظامی با «مجنون»

مجید انتظامی، آهنگساز مطرح کشور بعد از یک دهه دوری از سینما، موسیقی فیلم سینمایی «مجنون» را ساخت. این فیلم سینمایی به تهیه‌کنندگی عباس ناداران و کارگردانی مهدی شامحمدی و نویسندگی علیرضا منصوبی، کاری از سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که در جشنواره چهل‌ودوم فیلم فجر حضور دارد. این فیلم سینمایی برشی از حماسه‌آفرینی شهیدان مهدی و مجید زین‌الدین و رزم‌آوران لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) در جزیره مجنون و عملیات بزرگ خیبر را به تصویر می‌کشد.



برای دیدن فیلم از زندگی پیر میکده کلیک کنید

### تعبیر فردوسی از زبان مجتهدی

فرهنگ رجایی، استاد دانشگاه با بیان این‌که کریم مجتهدی یکی از این فرزندان خلف مام وطن و درخت تنومند باغ ملی و باغ شخصی من بود، گفت: من مایلم بیشتر به یک جنبه از «کیستی وی» به عنوان یک انسان تمرکز کنم؛ کیستی آدمی همان وجه انفراد و توحید هر انسان است. معجزه انسان بودن در این است که ضمن «نوع‌پش» و آدمی‌زاده بودن، توانش منفرد بودن دارد، مشروط بر این‌که این توانش را تحویل گرفته و آن را ورز بدهد. از آن مراقبت کند و با یر کردن آن، این وجه انسانی را «نیگو» کند.

کریم مجتهدی برای من چنین انسانی بود که توانش خود را تحویل گرفته، ورز داده، مراقبت کرده و بالاتر از همه اهل «پر کردن» بود. وقتی با دیگران، دانشجویان یا دیگر اساتید از فلسفه می‌گفت و با استواری و هیجان صحبت می‌کرد به‌سادگی می‌شد دید که در رشته فلسفه نیز انسان با حضوری است. به بیان خودش، می‌شد دید که «حب‌فلسفه» و دغدغه «عمیق دیدن» و «یادگرفتن» دارد، گزاره‌ای که به فردوسی بزرگ نسبت می‌داد همیشه ورد زبانش بود، «به تعبیر فردوسی سخن هرچه باشد به زرفا ببین.» /اینا



### ایرانی باید ذات امیدواری داشته باشد

موسی اکرمی، استاد فلسفه علم که دانشجوی مجتهدی بوده است، درباره کتاب‌های استادش گفت: «وچهی از تألیفات دکتر مجتهدی که بسیار هم بااهمیت است به پیوند میان فلسفه و فرهنگ بر می‌گردد. او در این زمینه دو اثر خواندنی «فلسفه و فرهنگ» و «فلسفه و

تجدد» را منتشر کرد، دو اثری که اهمیت فلسفه را در بافتار فرهنگی نشان می‌دهند. مجتهدی فلسفه را نه امری تجریدی و فی‌نفسه که آن را در بافتار فرهنگ تحلیل می‌کرد، شاید از همین روست که می‌گوید: «ایرانی بودن در اراده به ایرانی بودن است.» مجتهدی معتقد بود هر فرد ایرانی باید ذات امیدواری داشته باشد، چرا که امید یکی از عمل‌های بنیادی هر ایرانی است. وی افزود: دیگر نکته مهم تألیفات دکتر مجتهدی، توجه او به آشناسازی ایرانیان با فلسفه غرب است و یکی از آثار شناخته‌شده او در این زمینه «آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب» نام دارد که شامل مجموعه‌ای از مقالات گوناگون است که در مجموع بسیار خوب تنظیم شده و نشان از دغدغه دکتر مجتهدی برای متوجه کردن ایرانیان به فلسفه غرب دارد. البته کاری که دکتر مجتهدی در این زمینه انجام داد نیاومد آن است که توسط رهروان او ادامه یابد. /آنا

